ماشاء اللہ ولا قوۃ الا باللہ

بفضل رب اکبر ترجمہ موسومی از قبور روز نشور از تصنیف حضرت قاضی ثناء اللہ پانی پتی مبرور کتاب موعظت نافع عباد

تذکرۃ الموتیٰ

باہتمام راجی غفران احمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور و ترتیب یافتہ خدمت برادر معظم محمد مصطفیٰ خان مبرور

در مطبع نظامی واقع کانپور مطبوع گردید

بسم اللہ الرحمن الرحیم

سُبحَانَ اللہِ وَبِحَمدِہٖ زہی صانعی کہ از خاک و نطفہ انسان را بوجود آوردہ لم یکن شیئاً مذکوراً و مظہر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساختہ جعلہ سمیعاً بصیراً و با این ہمہ ضعف و ناتوانی و جہل و نادانی بار امانت را کہ زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاوردند متحمل ساختہ وکان ذٰلِکَ علی اللہِ یسیراً و ہر یک را بخود راہنمونی فرمودہ اِمّا شاکراً واِمّا کفوراً و برای شاکران نعمت و مؤدیان امانت جنات النعیم مرتب ساختہ واذا رأیت ثمّ رأیت نعیماً ومُلکاً کبیراً و برای کافران کہ از نعیم مقیم و رب کریم روگردانی کردند عذاب الیم مقرر ساختہ سلاسلاً واغلالاً وسعیراً و از کمال رافت انبیا و رسل فرستادہ مُبشّراً ونذیراً و تکمیل دین متین و تتمیم نعمت عظیم فرمودہ ببعثۃ خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی اللہ علیہ وسلم داعیاً الی اللہ باذنہ وسراجاً منیراً اللّٰہمّ صلّ وسلّم وبارک علیہ وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین وعلی الملٰئکۃ المقربین وعلی آلہٖ واتباعہٖ واصحابہم واحبابہم الذین یوفون بالنذر ویخافون یوماً کان شرہ مستطیراً

بعد از حمد و صلوٰۃ فقیر حقیر محمد ثناء اللہ عثمانی مجددی می نگارد کہ خوف و طمع از جناب الٰہی جالب جمیع خیرات و حاجز از جمیع مکارہ و سیّآت ست و اطلاع بر احوال قیامت مثمر این برکات لہٰذا این فقیر چند ورق درین باب بزبان فارسی بانتخاب و اقتباس از بدور السافرہ تصنیف امام ہمام علّام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

ابی بکر السیوطی رحمة الله علیه مینویسید تا عامهٔ مومنین ازان متمتع شوند واین عاصی را بدعای حسن خاتمه و مغفرت ذنوب
امداد واعانت فرمایند والله المستعان وعلیه التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود وجهل زیاده شود وزنا وشرب خمر بسیار باشد وزنان
بسیار پیدا شوند ومردان کم تا آنکه بنسبت زن یک مرد قیم باشد ودر صحیحین از عبد الله بن عمرو از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که علم از سینها یکدم محو نخواهد شد لیکن علما بمیرند وسرداران جاهل باشند
بی علم حکم کنند گمراه شوند وگمراه کنند واحمد وغیره از زیاد بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه نباشد
ما قرآن میخوانیم وپسران خود را می آموزیم وآنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود
من ترا دانا می دانستم یعنی یهود ونصاری توریت وانجیل میخوانند وبران عمل نمیکنند ومسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دروغگویان بسیار باشند وبخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم آورده که کارها سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند ومسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردم
از کثرت بلا آرزوی موت کنند وترمذی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده وقتیکه
مال غنیمت را سرداران دولت خود دانند ومردم امانت را غنیمت شمارند وزکوة را تاوان دانند وعلم را
برای دنیا آموزند ومرد فرمان برداری زن ونافرمانی مادر کنند ویار را نزدیک وپدر را بعید کنند ودر مساجد
آوازها بلند کنند وفاسقان رئیس قوم باشند واراذل ضامن قوم باشند واز خوف بدی مردان را گرامی
کرده شود وسطربها ومعازف علانیه کرده شوند وخمر خورده شود وآخر امت اول امت را لعن کنند پس
منتظر باشند درانوقت باد تند را که سرخ رنگ باشد وزلزله وخسف ومسخ وقذف ودیگر علامات قیامت
پی به پی آیند چنانچه رشته گسسته شود ودانها که دران منتظم باشند فرو ریزند وترمذی از
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم زیاده ازین ودران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابو داود از ابن مسعود از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اہل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابو داود از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید ست چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق
نه در خلق ابو داود از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله علیه وسلم آورده در صفت مهدی کشاده پیشانی
بلند و باریک بینی و ابو داود از ام سلمه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بادشاهی بمیرد
آن زمان مردی از اہل مدینه بر اید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت بر آرند و او کاره باشد
و در میان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصائب از عراق آمده با وی بیعت کنند
پس مردی از قریش بر اید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی و وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند
و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام بگیرد و هفت سال بادشاهی
کند پستر بمیرد و مسلمانان بر وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
زمین را از عدل پر کند و اہل آسمان و زمین از و راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رویانیدن
کمی نکند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان ہم زنده بودندی خوش آسایش کردندی حدیث
در صحیحین ست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند و ہر دو مسلم از ابی ہریره روا کرده از انحضرت
صلی الله علیه وسلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود بحدیکه مرد زکوة بر آرد و نیابد کسی را که قبول زکوة کند
نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اول ایات
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت ہر یکی که ازینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً
مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم برای
مردم دابة الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نمیداشتند و در قراءتی غیر متواتر تکلمهم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هردو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سائر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهارپایه باشد و در مکه از کوه صفا برآید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
یعنی کلان جسم او
عبد الله بن عمر گفته که سر او با بر رسد و پای او هنوز در زمین باشد و بغوی از ابی شریح انصاری از
آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دابة الارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد
و در مکه ذکر او نرسد باز در صحرا قریب مکه برآید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه برآید سر خود را از خاک افشانده
و بر مردم گذرد بسرعتی که کسی از وی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و در روایتی
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن مردم بشناسند و در بازار بگویند ای مومن رخت بچند
میدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض بحضور عیسی باشد عیسی و مسلمانان در طواف باشند
که زمین بلرزد و صفا شگافته شود و دابه برآید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیارد و ترمذی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده قسم بکسی که جان من در دست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دسته
تازیانه و شراک نعل کلام کند و ران خبر دهد بچیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن
اسید غفاری از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز ببینید الدخان

بظهور آیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج
و سه خسف یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیرهٔ عرب و آخر همه آتشی از یمن اید که مردم را بسوی محشر برد
یعنی زمین شام و در روایتی وهم بادی تند وزد که مردم را در دریا افگند و مسلم از ابی ذر از انحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد ازان ایمان کافر
و توبه مقبول نباشد و بغوی وغیره از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که علامات
قیامت اول دخان ست و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر برد
حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند عه فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي
السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ فرمود دخان از مشرق
تا مغرب درگیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت مستی
روی دهد از بینی و گوش و دبر دخان براید و ابن مسعود ازین معنی انکار کرده در صحیح بخاری ست که ابن مسعود
گفته که چون قریش از انحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد و قحط بحدی شد که مردم استخوان خوردند
و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان دخان بنظر می آمد لیکن بروایت حذیفه وغیره معلوم میشود که
دخان هم از علامات قیامت باشد و بِه عه۲ قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری
فصل قصهٔ دجال از رسول صلی الله علیه وسلم در صحیحین وغیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
بعضی روایات چشم چپ و درمیان هر دو چشم او کافر رقوم باشد هر کس از مسلمانان خواند کاتب
باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود
اصفهان بادی باشند هر سو فساد کند چهل عه۳ روز باشد یکروز برابر سال روز دوم برابر ماه روز سوم
برابر هفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله دران روز که برابر سال باشد نماز پنجگانه
کفایت کند فرمود نه اندازه کرده میخوانده باشید و مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من
پروردگار شما ام بامن ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را گوید باران ببار و زمین را گوید پس
زراعت پیدا شود و مواشی آنجا فربه و شیر دار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنهارا همچنان گوید

عه پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر که فرو گیرد مردمان را این عذاب درددهنده ست ۱۲

عه۲ و همین قائل ست عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و حسن بصری رضی الله تعالی عنهم اجمعین ۱۲

عه۳ یعنی بر زمین چهل روز ماند ۱۲

آنها سخن او را رد کنند پس مالهای شان هلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانهای خود بیرون آرد
خزانهای زمین پس روی او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گوید بسوی
این شخص که برآمده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید این دجالست که رسول صلی الله علیه وسلم
ازان خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگوید که ایمان بمن آر او گوید
که تو مسیح دجال هستی آنزمان امر کند که او را از سر تا قدم از اره دو پاره کنند و خود از میان هر دو قطعه
بگذرد پس تر او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا ایمان بمن می آری مومن گوید که حالا
زیاده تر تر دانستم که تو دجال هستی مومن گوید که ای مردمان حالا اینچنین با کسی نخواهد کرد پس تر او را دجال
بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی گردن او از مس گرداند کارد کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تاید مردم
دانند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرمود که آنکس بزرگتر باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم جنت
دانند جهنم ست و چیزی را که جهنم دانند جنت ست و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پس تر او را بخواند
و او برخاسته بیاید آنزمان بخندد و خوش شود در همان حال عیسی علیه السلام هر دو دست بر
بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سر فرو کند قطرها
از سرش افتد و چون سر بالا کند ازان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر اگر بسوی او رسد بمیرد و
دمش رسد جائیکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب لدّ که دهیست نزدیک بیت المقدس
دریابد و او را بکشد پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسیٰ جمع شوند و عیسیٰ بر انها
شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسیٰ وحی کند که برآورده ام
از بندگان خود بندگانی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

یاجوج و ماجوج را فرستد که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبریه بگذرند
تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
آنها تا که رسند بجبل خمر که کوهی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم باشد که اهل آسمان را
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون باز گرداند و نبی الله عیسی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلهٔ گاو نزد آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یاجوج و ماجوج
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران را بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران بختی باشد آنها را برداشته جائیکه خدا خواهد بیندازند و کمانهای و تیرهای و ترکشهای شان
آنقدر باقیماند که تا هفت سال مسلمانان سوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از خشت
یا پارچه و پشم پناه ازان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آئینه پس
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس دران روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورد و از پوست آن سایه کنند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیلهٔ کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیلهٔ خورد را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد ازان باد همه مسلمانان
بمیرند و کفار باقیمانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر انها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
از مشرق بقصد مدینه آید و پس کوه اُحد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه
روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که دجال را
دریابد آیات اول سورهٔ کهف بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال بر خر باشد میان دو گوش آن خر هفتاد باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم ست و در
صحیح مسلم قصهٔ تمیم داری ست ازان معلوم می شود که دجال موجود ست محبوس ست

در جزیرهٔ دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه دجال را میسر نه شود

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که قریب ست که فرود
آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصاری آنرا می پرستند و بکشد خوکان را یعنی
حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصاری و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
نصاری بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و
یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و مافیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جوان را گذاشته شود
کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود امیر آنوقت بگوید که شما
امامت کنید و نماز گزانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و ابن جوزی از
عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پس بمیرد و با من در قبر من دفن کرده شود و روز
قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی بر زمین چهل و پنج سال ست از انجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول

فصل از ابی هریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که پیش از قیامت فرات
گنجی بیرون دهد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از ان و در روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده که فرات کوهی از زر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستون ها از زر و نقره پس قاتل
حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

نگیرد این هر دو حدیث بر ازمنه مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی
قبول نکند والله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس وغیره هما روایت کرده که قیامت نخواهد شد
مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله نگوید بعد وفات عیسی علیه السلام مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم معروف
و منکر را نشناسند و شیطان متمثل شود و به بت پرستی دلالت کند و لات و عزی و ذو الخلصه را پرستند
آن زمان نفخ صور شود و هر که شنود کج کند گردن را پس بمیرند والله اعلم نفخه اول ست که ازان بمیرند و در
حدیثی آمده که نفخه اول نفخه فزع ست که ازان نفخه اهل آسمان و زمین در فزع و دهشت آیند ازان نفخه کوهها
بپرند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه کشتی در دریا میلرزد و مردم از لغزش زمین
مضطرب شوند و زمین خزائن و مردگان را که در زمین باشند بیرون افگند و زنان باردار اسقاط حمل
کنند و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه
روهای شان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را ندا کنند آن زمان زمین بشگافد و آسمان
مانند دردی[۱۵] شود پس بشگافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شوند اینهمه عذاب بر شرار
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد همدرین حال چندی باشند پستر حکم شود اسرافیل را که باز در
صور بدمد دران دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حمله عرش پستر حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند پستر حاملان عرش بمیرند
و عرش را حکم شود صور از اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی بفرماید
لِمَنِ[۲۵] الْمُلْكُ الْيَوْمَ کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید لِلّٰهِ[۳۵] الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

باب دوم در احوال روز بعث و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت و نار

بعد نفخه ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چهل روز
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و ازان آب حق تعالی اجساد مردگان را برویاند چنانچه سبزه
از زمین میروید چون جسدهای آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند و

[۱۵] دُردی بمعنی دُرد شراب و دُرد روغن فی القرآن فکانت وردة کالدهان یعنی آسمان دران روز سرخ رنگ گردد مثل دُرد روغن وغیره یا مثل ادیم سرخ

[۲۵] برای کیست پادشاهی امروز ۱۲

[۳۵] برای خدای یگانه غالب ۱۲

آسمانی دیگر از زر پیدا کند و مردگان را از زمین بر آن زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین پستر
حق تعالی اول حاملان عرش را زنده کند پستر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش بگیرد و
بر لب نهد پستر جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند و ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس بحکم خدا اسرافیل صور بدمد ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نحل از صور بر آیند و بحکم الٰهی
هر یک روح در جسد خود داخل شود از راه بینی و زمین بشگافد و مردگان از زمین بر آیند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که از زمین بر آید من باشم پستر همه مومنان از قبور بر آیند مومنان وقت برخاستن گویند
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ؕ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ ۙ و کافران وقت برخاستن
گویند يٰوَيْلَنَا مَنْۢ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا ۜ هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ
هر جماعتی برانگیخته شود با اهل عمل خود صالحان با صالحان و فاسقان با فاسقان و کافران با کافران رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم مبعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر و عمر پس برایم بسوی
بقیع پس مردم بقیع با من جمع شوند پستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود بر عملی که
نام مقبره بمدینه شریفه ۱۲
بر آن مرده باشد شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون بر آید که در رنگ مثل خون و بوی مانند
مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویان برخیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی برخیزد و همچنین صاحب
هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون برخیزند اول کسی که پوشانیده شود ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه و
سلم به بهتر از آن پستر دیگر رسل و انبیا پستر پوشانیده شوند مومنان و در بعضی احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شدند برانگیخته شوند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهادت
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه دور شود و برهنه
گردند پستر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
میفرماید وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ۙ ذٰلِكَ خَيْرٌ ؕ پستر رسول صلی الله علیه وسلم بر براق سوار شود

وچنین بر ناقه رسول کریم سوار شوند بستر متقیان را بر ناقهای بهشت باز بهای طلا و مهارهای زرد
سوار کرده بمحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پا برند و کافران را بر رویهای شان کشیده برند و در
حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور بر آیند عمل او بر صورت انسانی با وی ملاقات کند عمل مسلمان بر
نیکترین صورت و خوشترین بو بود بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت و بو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح توام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کرده ام حالا تو بر من سوار شو يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ اِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا
کنایه ازان است و عمل کافر بدترین صورت و بدترین بو با وی ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید همچنین بودی تو در دنیا
من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار میشوم وَهُمْ يَحْمِلُوْنَ اَوْزَارَهُمْ
عَلٰى ظُهُوْرِهِمْ عبارت ازان است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی
همراه باشند و شاهد باشند بر انها مسلمانان را گویند لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَاَبْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ
الَّتِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود
کافران و فاسقان بر صورتهای زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزنه و
مانند آن باشند و ربا خواران مانند دیوزدگان استادن نتوانند و آنانکه مال یتیمان بظلم خورده باشند
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان بر آید قال الله تعالى اِنَّمَا يَأْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا
متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس آنهارا پایمال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر برخیزد بر روی او مضغه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان به نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او
نا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه براق انداخته براق او بر روی او باشد هر که دو زن داشته باشد
و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دو زبان باشد او را حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که مقدار یک وجب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردن
سازد و همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسپ یا بز یا دیگر مال

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هرکه زیاده از حاجت عمارت کرده باشد
تکلیف داده شود که این عمارت را بر دوش خود بردار هرکه زکات مال نداده باشد زر و سیم او را بآتش دوزخ
گرم کرده او را داغ داده شود و شتران و گاوان و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا
پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پایمال نمایند هرکه حاکم باشد اگرچه بر ده کس حکم رانده باشد آورده شود
و او را دست او بگردنش بسته اگر نکوئی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده باشد طوق
بگردنش کرده شود هرکه از مسئله سوال کرده شود و او جواب مسئله میداند و پوشیده دارد او را از آتش
لگام داده شود و هرکه در قرآن بغیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت
کنند و در ثواب قاریان قرآن مادر و پدر شان را حلها پوشانیده شود و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
از آتش سپر بگیرید بگوئید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت
کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیرزنی سفید مو ازرق چشم کریه المنظر آورده شود او را خلائق
(کبود ۱۲) (صورت ۱۲)
بینند و گفته شود که این را میشناسید مردم گویند نعوذ بالله من معرفة هذه گفته شود
که این دنیاست که بدان تفاخر میکردید و باهم حسد و قطع رحم مینمودید و بغض میکردید پس او را در
دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و
پیروان او را نیز باوی بینداز شعر بروز حشر شود همچو روز معلومت * که با که باخته عشق در شب دیجور
و بیهقی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا برای
خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هرکه وصل کرده الهی
باوی وصل کن و هرکه قطع کرده الهی ازوی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت
و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان محشور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال نیک
صورتهای خوب و از اعمال بد صورتهای قبیح پیدا کنند و در میزان (ای ذواتها ۱۲) نهند و اصحاب کشف این همه احادیث را بر صور مثالیه
حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد و جزم بچیزی ازین تاویلات نتوان کرد و بحث ازان نباید نمود

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر ایشان غالب باشد و هر پیغمبر را در آن روز حوضی باشد و هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از آن علامت امت خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و سلم را حوضی باشد بنام کوثر بمعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکماهه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و بران آب کوزها باشند مانند ستارگان و زمین او از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و دران دو میزاب از بهشت افتند و علامت امت آنسرور صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب رضی الله عنه ساقی باشد هر کرا از ان آب داد آنکس باز تشنه نشود و بعضی علما گویند که ورود بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان را وقت برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی در انوقت آب نداده شود و بعد خلاصی از دوزخ پیش از دخول جنت داده شود و تشنگی برداشتن در صوم سبب خوردن آب کوثر باشد مشرکان را آب کوثر در نصیب نیست و علما گفته اند که اهل هوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند شان نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلائق باشد بجنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خوف وی بر زانوها افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید أَوْلِيَائِي مِنْ أُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ سرد خواهم کرد چشم ترا در حق امت تو یا محمد و آفتاب نزدیک شود دران روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود و مردم در عرق غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند که این از خوارق آن روز است که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و دران روز سایهٔ اعمال صالحه باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصاً لله و حسن اخلاق و صلهٔ رحم و مانند آن در سایهٔ عرش خدا باشند

کسانیکه خالصاً لله بی واسطهٔ قرابت و مانند آن باهم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و باخدا
دوست سازند دران روز آنهارا حق تعالی بر منبرهای نور نشاند که انبیا و شهدا ازان غبطه کنند و کسانیکه علم دینی
بمردم آموزند آنهارا حق تعالی بر منبرهای زر زیر قبهها از سیم بنشاند که مرصع باشد بمروارید و یاقوت و پوشش
آن قبهها از سندس و استبرق باشد چون درازی روز مردم در عرصات در عرق غرق و محبوس باشند و از
طول انتظار آرزو کنند که ازان مقام رهائی یابند اگرچه بدوزخ روند آنزمان شفیع طلب کنند اول از آدم پستر از نوح
پستر از ابراهیم پستر از موسیٰ پستر از عیسیٰ شفاعت خواهند کسی ازانها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه
پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد و پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه
فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یارب وعده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت من
قبول کن و در میان خلائق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم پس همراه مردم بایستم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بپایین فرود آیند و زمین ازانها پر شود
از جن و انس که در زمین باشند از همه شان افزود باشند و صف بسته بایستند پستر اهل آسمان دوم
بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پستر اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند
هریک زیاده از ماسبق پستر حق تعالی نزول فرماید فِی ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ مراد از نزول والله اعلم
نحوی از تجلی باشد پس حق تعالے در جانوران حکم بقصاص فرماید بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
انسانی عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یارب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد
نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی بسبب گربه
در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه واگذاشت تا از حشرات زمین بخورد و شخصی
شتری را علف نداد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی من
هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

وامستان شان سوال کنند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه وسلم
شاهد ماست امت محمد صلی الله علیه وسلم را طلب کند ایشان شهادت دهند که انبیا راست میگویند گفته شود
که شما از چه دانستید گویند که پیغمبر ما کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
گفتید و پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم گواهی دهد بصدق امت خود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که سه عرض
شود روز قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
علیهم السلام عذر تعذیب ایشان ظاهر کند و حجت بر ایشان قائم کند سوم آنکه نامهٔ اعمال هر یک بدست هر یک آید
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرماید که نامهٔ اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی برانگیزد که نامهٔ اعمال
هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست و کافران را در دست چپ از پس پشت اول سطر
آن باشد اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان نامهٔ اعمال خود را
کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در حدیث آمده که خوشی ست کسی را که در نامهٔ او استغفار بسیار باشد
و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بروی شهادت دهند آنزمان
آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هزار کس یکی
بهشت و نهصد و نود و نه بدوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را دران سنجند
میزان را لسان باشد آنچه در دست میگیرند دو پله باشد بقسمیکه اگر آسمانها و زمینها دران سنجیده شود
گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان ست در صحیحین از ابی هریره مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او را بقدر پر پشه وزن نباشد و این آیت خواند فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
او را هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پلهٔ ترازو نهاده شود و سیئات در پلهٔ دوم پس
اگر سیئات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد ببخشد و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات
یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را ببهشت برد بزار و بیهقی از انس

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون ابن آدم سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود
فرشته ندا کند همه خلق شنوند این شخص نیک بخت شد بدبخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک شود بگوید که این کس بدبخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده سُبْحَانَ اللهِ
نصف میزان وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ پری میزان است وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ راجح ترست از جمیع خلائق
وَاللهُ اَکْبَرُ همچنین و ولد صالح کسی بمیرد و صبر کند و درود بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حسنات
موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی
علما با خون شهیدان روز قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علما بر خون شهیدان افضل باشد و از حماد
و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را روز قیامت در میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابرها در میزان او
آیند گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری مانده
و از ابی الدرداء مرویست که هر کرا همت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون مردم
بمحشر جمع شوند و کفار از مومنین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ بر آید
خزنه دوزخ او را نکشند او بگوید قسم بعزت پروردگار من بگزارید مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند
گوید هر متکبر جبار نافرمان پس بر چیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و بگوید
بگزارید مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ یعنی عهد شکن ناسپاس
آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بگزارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش بر آید که
آنرا دو چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من امر کرده شده ام برای کسی که با الله معبودی دیگر گیرد
و بهر جبار عناد کننده ناحق و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر چیند پیش از
دیگر آدمیان بپانصد سال و ابن مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان
بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ بر آید و بر چیند چنانچه کبوتر دانه
می چیند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار دوم آن قسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جهل و غفلت پس گفته شود که هر کس که با خدا دیگری را پرستش کرده است با معبود خود شود آفتاب پرستان
پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
خود داخل دوزخ گردند و بگویند لَوْ كَانَ هٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوْهَا یعنی اگر اینها معبود بحق بودی
داخل دوزخ نشدی پس جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیا را تکذیب میکنند و
در صفات الهی براه جهل رفتند چنانچه کفار یونان پس قسم خامس و سادس یهود و نصاری باشند
در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه لبیم ما را آب دهید گفته شود بروید
و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید دران افتند و بروایتی آمده
که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت
عزیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رساند فقیر گوید ظاهر از یهود و
نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده در فرقهٔ رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر را
رسول دانستند و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها
در فرقهٔ خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و در میان شان منافقان باشند
حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
والله که ماسوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند
که منتظریم ما که حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم ببینیم آنزمان حق تعالی تجلی کند بنهجی که ازان تعبیر فرموده
يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَّيُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ و حکم کرده شود بسجود و مومنان مخلص بسجود روند
و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و برپشت افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ
انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود
اول سوال کرده شود از خونریزیها مقتول گوید یا رب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد
حال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را تا که عزت مر ترا باشد حق تعالی فرماید
راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان متابعت او کنند و ببهشت رسانند

همراهی کردن کا

دیگر قاتل گوید کشتم او را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پس‌تر در
دیگر مظالم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت‌تر است
از خیانت در مال حق تعالی ازان سوال خواهد کرد فرموده که مراد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ازواج و از اموال و ممالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان
کرده خواهد شد پس‌تر در زکات پس‌تر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجهٔ قبول رسید
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت کرد
او را ثواب باشد مثل ثواب مقتدیان و هر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از پارچه که بدان ستر عورت کند و از پارچهٔ نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گرمی و سردی پناه کند
و سوال کرده خواهد شد ازانکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاهان
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را ازان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهندگان را
فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پای او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جزا گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی بر ذمهٔ او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشد و ستر عیب کند
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بندهٔ مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامهٔ اعمال خود بخوان چون بر حسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

ع ممالیک جمع مملوک یعنی غلام ۱۲

قبول کردم او بسجده رود وچون بر خواندن گناه رسد غمگین شود وبترسد حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم
باز بسجده رود ومردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود وباهم مردم گویند چه خوش ست این مرد هیچ گناه
نکرده است ونمیدانند که درمیان او وحق سبحانه چه گذشته واین را حساب یسیر گویند ز آنکم از
عائشه رض روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اَللّٰهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا چون از نماز فارغ شد
گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامهٔ اعمال به بیند واو را به بخشد
مَنْ نُوقِشَ فِي الْحِسَابِ يَا عَائِشَةُ هَلَكَ واگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب نیکی دهد حق تعالی
میفرماید يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ومسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردی را روز قیامت آورده شود وصغائر گناه بروی عرض کرده شود واو بدان اقرار کند وبترسید
واز کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آنمرد بطمع ثواب گوید که مرا
دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه وسلم ازین سخن خندید که دندان مبارک
ظاهر شد وابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامهٔ اعمال
او داده شود واو بالای صحیفه سیآت خواند وترسان باشد وپایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالای
صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند واز ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم
روز قیامت دوست دارند که سیآت بسیار میکردیم وآنها آن کسان اند که يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ
حَسَنَاتٍ درشان آنهاست ودرینمقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیت
آنقدر ندامت میکشند ودر جناب الهی تضرع والتجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند وفتح باب رحمت
مینماید دوم آنکه کسانیکه غرق دریای عشق ومحبت الهی هستند در غلبهٔ حال گاهی از انها اعمال صادر میشود
که بمیزان شرع سنجیده نمیشود مثل سماع ووجد ورهبانیه مبتدعه وترک جمعه وجماعات درار بعینات و
کلمات شطحیه حق تعالے اینچنین اعمال را نظر بر عشق ومحبت شان ثواب حسنات دهد مولوی روم میفرماید
مثنوی
هرچه گیرد علتی علت شود × کفر گیرد کاملی ملت شود ×
کار پاکان را قیاس از خود مگیر ×
گرچه ماند در نوشتن شیر وشیر ×
او بدل شد کار او × بدل گشت لطف گشت ونور شد هر نار او ×

۱ ای خدا حساب کن زمن حساب آسان ۱۲
۲ هر که خصومت کرده شد در حساب ای عائشه هلاک شده ۱۲
۳ بدل کند حق تعالی گناهان ایشان را بنیکیها ۱۲
۴ سماع سرود شنیدن وبمعنی سرود ورقص نیز آمده ۱۲
۵ وجد رقص کردن بحالت شوق ۱۲
۶ ای کار درویشی وترک دنیا ...
۷ کلمات شطحیه کلماتی که بحالت مستی ... و مخالف ظاهر شرع باشند ۱۲

وانچه در حدیث ابی ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
معنیش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً ازو در تقدیر ازینچنین کس
کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و ببخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بر ذمهٔ کسی باشد هرگز بخشیده نشود
بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم دهانیده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون و حقوق دیگر
بروی باقی ماند سیآت دائنان و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که بمیری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد
در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیآت سوی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود
و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامهٔ اعمال
گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد دران قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس آنست
که نماز و روزه وغیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
دیگری را خون ریخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی دهاند رسول فرمود صلی الله علیه و
سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
در نیت او ادا نباشد قصاص بحسنات و سیآت کند و معهذا اگر دین برای اسراف بر خود کرده باشد
البته ماخوذ شود و اگر بنابر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین
مردهٔ فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
تفضل کند مظلومان را بانعامات خوش کند تا که او را ببخشند و او را با خود ببهشت برند

فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب ببهشت داخل کند و ایشان را از
حساب معاف دارد در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عرض کرده شد

بر من امتهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکمرد مومن ست و با بعضی دو مرد و با بعضی کسی نیست
و با بعضی جماعتی ست و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و تطیر (شگون گرفتن بال) نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه
رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس
از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حثیات از
حثیات پروردگار و حثی (بجای مهمله و ثای مثلثه ۱۲) چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشند پس
زیاده طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس از آن هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس و در حدیثی
آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهدا فی سبیل الله
داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان و در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله
داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر انها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
بدی کند ایشان ببخشایند و کسی با ایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند
که بر طاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
و بی علاقهٔ دنیا لله ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبتها صبر کند و هر که
در حج و عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و ولد نیکی کنند
با والدین و کسی که از فقر جامه مکرر ندارد و طعام دو قسم نتواند خورد و شراب دو قسم ندارد و کسیکه
بدنیا رغبت ندارد و کسیکه از خوف خدا بگرید (بمعنی گوشه‌ای ۱۲) بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصبهانی از انس رض
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون میزانها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

واهل حج را ثواب داده شود میزانها واهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود و نه
(یعنی صاحب رنج و درد در دنیا ۱۲)
دفتر اعمال برای آنها کشاده شود وریخته شود برانها ثواب بغیر حساب تا آنکه اهل عافیت تمنا کنند
آنکه بدنهای شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ
بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پس تر چون
کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم برفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه وبعضی را مثل درخت خرما و کمترین نور کسی را
باشد که نور او در انگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود وگاهی پوشیده وکافران و منافقان را
نور نباشد قال الله تعالی وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ ۝ و در بعضی احادیث
آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را گویند که
نظر کنید بما ما هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا یعنی
باز گردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در
دنیا روید آنجا ایمان واعمال صالحه کسب کنید که این نور ازان ست آنگاه مومنان را دیواری
مثل دیوار قلعه پیش آید دران دیوار در باشد مومنان ازان در گذرند و منافقان بیرون در
باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب دوزخ منافقان
مومنان را آواز دهند آیا با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما
نفس خود را در فتنه یعنی کفر و معصیت انداختید که عقائد فاسده واعمال خبیثه اختیار نمودید
ظاهرا در آیات واحادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسانند
که در باطن کفر دارند و بنابر تقیه واستهزا کلمهٔ شهادت میگویند آنهارا نور نباشد که اصل نور ایمان
ست وایمان بقلب تعلق دارد ودر احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود
مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد روافض وخوارج ومعتزله ومانند شان که
نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تام باشد روز قیامت و فرموده هرکه سورهٔ کهف

خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا

کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هرکه تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد

روز قیامت و فرموده ذکر کننده در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هرکه

سختی از مسلمانان دور کند او را مشعله باشد از نور بر صراط که از ان روشنی بذیرد عالمی که احاطه

نکند آنها را مگر رب العزت و فرمود که پرهیز کنید از ظلم بدرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت

فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پلی باشد

که آنرا صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بران پل کلّوبها و خارها باشد کافران و منافقان

در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل برق

و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسپ تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیادهٔ جلد رو

و بعضی مثل پیادهٔ سست قدم و بعضی بخرابی و دقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب

گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هرکه واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برادر مسلمان

حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هرکه بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده

که هرکه مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم آموزد بیک چشم زدن بر صراط دیر نکند و از وهب بن منبه مرویست که

داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد روتر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند

و زبان شان بذکر تر باشد و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرد که صراط

روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید

وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ

الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو

لازم حکم کرده شده پس نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را دران بر زانو افتاده مراد از ورود در جهنم

همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند ای پروردگار

آهنگران که بدان آهن گرم بگیرند

وعده کرده بودی بورود دوزخ او دوزخ را دیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
وطبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را
گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرده در حدیث آمده که هر کرا سه کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند
وارد دوزخ نشود مگر ره گذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
مگر تحلة القسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومنان
از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظالم چون هذان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست که هر یک
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط برای
قصاص باهم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده آن قصاص مدخول دوزخ باشد و این قصاص بحبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شود

فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهگاران اند
که محبوس باشند بحکم خدا بر سر دیوار اعراف برآمده دوزخیان را بسیاه روئی و بهشتیان را بسفید روئی
بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنهارا داخل بهشت سازد قوله تعالی أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن بی فرمان پدران
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گوشت
و چربی شان خشک شود آنزمان حق تعالی برحمت خود آنهارا داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد شد چنانست

له تحلة القسم راست کردن سوگند ۱۲
له سوره اعراف ۱۲
[illegible]
والله اعلم [illegible]
[illegible] نسخ الرحمن

که از شهادت هر چند گناهان آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود
و ابن مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیآت بیک حسنه بیفزاید داخل بهشت شود
و هر که سیآت او از حسنات بیک سیئه فزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیآت او برابر باشد
آنها بر صراط محبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان مومنان را به بهشت رساند و نور منافقان
منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود لهذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرضکه اعراف را منزله بین المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل اهواء گفته اند چرا که در اعراف خلود نیست
فصل شفاعت اکرم الرسل صلی الله علیه وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صلحا و
طفلان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق است هر کرا حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه وسلم سوره ملک را گفته هِيَ الْمَانِعَةُ هِيَ
الْمُنْجِيَةُ مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهائی یابند و بعضی را در بهشت بشفاعت درجات عالیه
میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و بروایتی دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار اند و فرمود صلی الله
علیه وسلم که شفاعت من باشد برای کسانیکه گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
یعنی چنانچه خوب هستم ۱۲
بهشت روند و نیکان باعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گفته حق تعالی فرماید قسم بعزت من
و جلال من که هیچ کس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان
شنیده گوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ تا آخر او را شفاعت من باشد

۵۱ این سوره بازدارنده است
این سوره رهاننده است از عذاب
۵۲ تمام دعا این است
اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة آت محمدا الوسیلة والفضیلة والدرجة الرفیعة وابعثه مقاما محمودا الذی وعدته انک لا تخلف المیعاد

وفرموده هرکه ثابت باشد بر سختی مدینه و آنجا باشد برای او شاهد و شفیع باشم
وفرموده هرکه در مدینه باشد که بمیرد او را شفاعت کنم وفرموده هرکه برای زیارت
من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هرکه زیارت قبر من کند واجب باشد
بر من شفاعت او وفرموده بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه و شب جمعه هرکه چنین کند او را
شاهد باشم و شفیع وفرموده هرکه ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
وفرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
وفرموده که هرکه بعد نماز این دعا خواند اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفَيْنَ
مَحَبَّتَهٗ وَفِي الْعَالِيْنَ دَرَجَتَهٗ وَفِي الْمُقَرَّبِيْنَ دَارَهٗ واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
علیه وسلم وفرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه
مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلد فی النار باشد وفرموده
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و براید یعنی اهل اهوا
مثل روافض و خوارج و مانند آنها وفرمود که جدال بگزارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و دران جدال نباید کرد وفرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
قبول کرده شده من باشم وفرمود اول شفاعت انبیا باشد بعد شفاعت صدیقان بعد شفاعت شهدا
و بروایتی اول شفاعت انبیا بعد شفاعت علما بعد شفاعت شهدا بعد شفاعت مؤذنان وفرمود عالم
و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
از ابن عمر مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند وفرمود رسول صلی الله علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود وفرمود که حاجی که در
چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند وفرمود که مردی شفاعت کند برای یکی و مردی برای دو کس و
سه کس روز قیامت و مردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربیعه و مضر داخل بهشت شوند

له ای خدا بده محمد را وسیله و بگردان او را در برگزیدگان دوستی او و در بلندان پایه او و در نزدیکان خانه او ۱۲

ٹه همیشه باشنده در آتش ۱۲

ٹه یعنی بحث بر طریق رد و انکار نه برای تحقیق ۱۲

و فرموده که مردی را از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی را از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا می شناسی
گوید نی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال
کند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را
گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من رفتم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرموده
صلی الله علیه وسلم در تفسیر قوله تعالی فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ مراد از
یزیدهم من فضله شفاعت ست برای دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرموده
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند در ده کس
که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
قبول شود و در حدیثی آمده هر گرسنه بچه مرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود
که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبهٔ دوم یا سوم گفته شود در روید
شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شهوت
باز داشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حجر اسود
روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده برو و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
لعنت گویندگان روز قیامت شاهد و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی الله علیه وسلم امت او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
دیگران از علما و صلحا وغیرهم داخل شفاعت آنحضرت ست که بدولت متابعت آنحضرت مرتبهٔ شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری
مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده چون مومنان از آتش رهائی یابند و از صراط بگذرند در جناب الهی
برای برادران خود که در دوزخ باشند او از شفاعت بمبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و
روزه و حج میکردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند
صورتهای شان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از اینها کسی نمانده که امر کردی تو حکم شود

یعنی پس تمام دهد اجور ایشان را و زیادت دهد ایشان را از فضل خود ۱۲

که باز برویدو هر که در دل او بقدر دینار ایمان باشد وی را برارید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که بروید
و برارید کسی را که در دل او مثل مورچه ایمان باشد پس برارند خلقی کثیر را از و بگویند یا رب حالا نگذاشتیم در دوزخ
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
و باقی نماند مگر ارحم الراحمین فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ النَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
پس برارد قومی را که گاهی هیچ عملی نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس بینداز و حق تعالی آنها را در
نهری بر روی بهشت آن را نهر حیات گویند پس ایند چنانچه دانه می روید در سیل پس برایند مثل دانهٔ مروارید
در گردنهای شان مهرها باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کردهٔ خدا اند و باقی ماند یکمرد میان دوزخ و
بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیزی
دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و تازگی جنت بیند مدتی خاموش ماند
باز گوید که مرا نزدیک دروازهٔ بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از و عهد گیرد
که دیگر سوال نکنم و بر دروازهٔ بهشت برد مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید که تو
عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید الٰهی مرا بدبخت ترین خلق مکن و دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به بهشت درآرد
و بفرماید که آرزو کن او آرزو کند تا که منقطع شود آرزوی او حکم شود که انچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده از آن
فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت را حق تعالی صد حصه کرده یکحصه در جمیع خلائق تقسیم کرده
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد داد فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد کرد
که ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن و علما را باشد حق تعالی میفرماید ثُمَّ أَوْرَثْنَا
الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ
سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا الآیه
یعنی بعد انبیای سابق وارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی از انها ظالم باشند
بر نفس خود بگناهان و بعضی از انها میانه رو باشند و بعضی از انها سبقت کننده باشند به نیکیها باذن خدا
همین است فضل بزرگ بهشتهای همیشگی را داخل شوند که نهرها در ان جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و میانه روان را حساب بیسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند پس برحمت خدا
آنهارا تلافی کند بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَکُوْرٌ
و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت شما داشتم برای شما بر هر چه از شما آید و باک ندارم
فائده بهترین مسلمانان نزد خدا سه فریق اند شهدا که جان خود ها را در راه خدا بذل کردند دوم علما که عقل
و حواس خود ها در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود ها در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالصاً لله باشد و گرنه اول بدوزخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه و سلم اول کسی که حکم کنند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند
پس گفته شد پس حکم شود که او را کشیده بدوزخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پرسد که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد پس حکم شود بدوزخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بمردم بخشیده چون نعمتها خدا باو داده از و پرسد که
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی بمیدادی مردم را
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد پس حکم شود بدوزخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصة لله
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّیَّاتِ عمل معتبر نیست مگر به نیت

فصل اَلْاِیْمَانُ بَیْنَ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی تواند بر آمد و بگو گناهگاران را
که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی از واثله بن اسقع روایت کرده
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از و گوید چه میخواهی
اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی تو دانا تری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرا گیرد و آنگاه آن بنده گوید الٰهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات دوم دفتر سیآت سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت همه نیکیها در گیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را ببخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار نعوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمد متغیر اللون آنحضرت پرسید که چه حالست گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلیدهای جهنم یعنی جهنم را دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که سفید شد پس تر هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پس تر هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس آن سیاه و تاریک ست روشن نیست شرر آن و کم نمیشود سوزش آن قسم بکسی که ترا فرستاده ست بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند ظاهر شود کسی از انها بسوی دنیا و اهل زمین او را به بینند همه بمیرند از زشتی روی او و بدبوی او و اگر یک حلقه از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه حق تعالی دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای شان قرار گرفت در صحیحین ست که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هَلْ مِنْ مَّزِيْدٍ گوید تا که رب العزت در ان قدم بنهد آنزمان بعضی از ان بسوی بعضی بپیچد و گوید بس بس و دوزخ در زمین سفلی ست یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه مرویست که چون قیامت قائم شود فلق که پوشش سقر ست از سقر دور شود و از ان آتشی برآید و دریا که بر جهنم مطبق ست و حاجز ست میان جهنم و هفت طبق زمین بچشم زدن افروخته کنند همانست بحر مسجور فصل جهنم را هفت درکه است و هفت درست یکی بالای دیگری و هر آهر در جماعتی ست قسمت کرده شده

اول شان جهنم ست دران عذاب کمترست بر گنهگاران این امت پست تر از ان لظی از ان پست سعیر
ازان پست حطمه زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر ها ویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
دوزخ باهم بپیچد گفته شود که چه حال ست دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
بگذارند بیهقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که تبارك و حم سجده
نمی خواند و فرمود که حم ها هفت اند و درهای جهنم هم هفت اند حم سجده از ان روز قیامت
بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که الهی داخل نشود ازین در کسیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند

فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شده اند
و هر روز قوت شان زیاده میشود هر یک ازان آنقدر هست که در میان دو شانه او صد ساله راه است
در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک ازان گرز ست و مالک را انگشتان فست بعدد همه دوزخیان
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سردارند و موکلان
جهنم بیشمارند و ویل وادیست در جهنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود پیش ازانکه در قعر او رسد و در روایتیست
که در وی ریم دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال جهنمی باعلای آن رسد و باز ازانجا
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بروی دست رسد گداز شود و چون دست بردارد
باز دست درست بشود و همچنان و فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
تا هفتاد سال بپایین او نرسد و در نهایت آن غی ست و اثام و آن هر دو نهر اند از ریم دوزخیان و موبق
وادی عمیق ست روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین ست که دوزخ شکایت
کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
دمی بسردی که از سردی او در دنیا سرما میشود و دمی بگرمی که از گرمی او در دنیا گرما می شود

فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة وهب بن منبه میگوید
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برهنگی برای شان بهتر ست از پوشاک و حیات باشد و موت برای شان بهتر باشد

ازحیات وبرای دوزخیان فرش باشد ولحافها از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
هر گز از ان هفتاد باع هر باع مقدار مابین مکه وکوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود بیک حلقه زنجیر دوزخیان نرسد
آن زنجیر را از دبر آنها داخل کرده واز دهن بر آورده بر وی پیچیده شود وحمیم بالای سر کافر ریخته شود پس برسد اشکم
وفرو ریزد آنچه در شکم باشد در قدمش باز همچنان درست شود وباز حمیم ریخته شود وطعام دوزخیان زقوم
باشد اگر قطره از ان در دریاها افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی آدمی
از وی بدندان گیرد وآن درخت از آدمی همان قدر گیرنده گیرد ونیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم ضریع چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر وبدبو تر از جیفه وگرم تر از آتش وقتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرو رود ونه از دهن بر آید گلوگیر باشد نه فربه کند ونه گرسنگی دور سازد ونیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان وشراب شان حمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی وغساق یعنی آب سرد
شده در غایت سردی ودر حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود واز کعب
مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که دران زهرهای تمام جانوران زهردار باشد ایشان را
دران غوطه داده شود گوشت وپوست از استخوان جدا شده در پای افتد وآنرا مثل پارچه بکشند ترمذی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود بحدی که
برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند وطعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند وآب خواهند پس حمیم بکلوبهای آهنی نزد روهای شان کرده شود
از گرمی آب رویهای شان بریان شود وچون در شکم داخل شود وآنچه در شکم از امعاست قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که یکروز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید ونیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی ناقبول پس تر مالک را
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشند
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد وما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برار اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اخسئوا فیها ولا تکلمون یعنی دور شوید در دوزخ وسخن مگوئید آنگاه

درز فیر و حسرت باشند و در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را دو بار و زنده کردی ما را دو بار اقرار کردیم بگناهان
خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از آنست که چون مردم
توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا
کنند الهی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را
شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا زمانی قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را
جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ برآر
عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در ان عمر پند
پذیرفتند و آمد نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا پس بچشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
باز گویند ای پروردگار ما بر ما بدبختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما ما را برآر پس اگر باز کفر کنیم ظالم
باشیم آنگاه جواب داده شوند اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که در دوزخ مارها باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژدمها باشد خرد تر شان مثل خچر هر گاه نیش زنند
رنج او تا چهل سال باقی ماند و در روایتی آمده که نیش کژدمها مثل درخت طویل از خرها باشد مسلم از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و بروایتی آمده که مقعد او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که ما بین
نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش
درست شود باز همچنان کنند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخته شود
و باز درست گردد عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده‌ام و بروایتی در ساعتی
صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بروایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روزی
هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

مخفی نماند که تکرار این مضمون بنابر پنج دعای اهل دوزخ آمده است ۱۲

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باسقاط کسر جمع این دو روایت میشود
و از حذیفه مرویست که در جهنم درندگان و سگان و کلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
کلالیب قطع کنند و ازان شمشیرها عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
را ببرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا
کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فرو هشته تا ناف رسد ابن عباس در تفسیر قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا
قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا میفرماید که دنیا قلیل ست در دنیا هر قدر خواهند بخندند چون دنیا منقطع شود
گریه شان منقطع نگردد و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود آن زمان
خون بگریند و در رویهای شان خندقها شوند که اگر کشتیها دران بگذارند جاری شوند و فرموده که دوزخیان
مدتی آب چشم ریزند بعد مدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان شما در دنیا نگریستید حالا کسی را
فریادرس دارید آن زمان از اقربای خود که بهشتیان باشند ندا کنند ای جماعهٔ پدران و مادران و فرزندان
برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم والحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا بشما
داده است بعد چهل سال ازانجا جواب یابند که حق تعالی آب وغیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان را
در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب
کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که ازان دماغ او جوشد چنانچه دیگ میجوشد داند که کسی از من در
عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر ست در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
که ابوطالب حمایت تو میکرد او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش ست
اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
یا کمتر ازان در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین ست از آتش که ازان دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهگاران از مسلمین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

۴ پس باید که خندند کم و گریند بسیار ۱۲

وبعضی کسان را آتش رسد پس بمیرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را بر آورده بر
نهرهای بهشت انداخته شوند واهل بهشت را حکم شود که بر آنها آب ریزند پس آنها مثل سبزه بر رویند و در حدیث
آمده که گرمی دوزخ بر امت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان و فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شتالنگ باشد وبعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه وبعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شمارا
اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویید و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق زنان
فرموده که آنها بر عطا شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند و فرمود که مردی را در دوزخ انداخته شود پس بیرون آیند امعای او
پس او در آتش گردش کند چنانچه خر گرد آسیا میگردد دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حالست تو مارا
امر معروف و نهی از منکر میکردی گوید که من شمارا امر معروف میکردم و خود آن کار نمیکردم و نهی از
منکر میکردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
و طلب علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
موکلان عذاب ۱۲
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاده یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکات و فرموده هرکه در ظرف زر یا نقره آب خورده آتش
دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر کرا گریبان جبه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
و در صحیح ست که فرمود هرکه خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جو گره دهد
و نتواند و هرکه سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
روز قیامت و هرکه صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که دران روح داخل کند و هرکه علم را
پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هرکه دو زبان باشد در دنیا یعنی روبروی شخصی بوضعی دیگر گوید
و غایبانه بوضعی دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت و هرکرا در وضو پاشنه خشک ماند بلا گرفته باشد
پاشنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش

درمیان شان نیاید و در صحیحین ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هرکه از بلندی خود را انداخته مرده
همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هرکه زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هرکه
با آهن خود را کشت همیشه آهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هرکه اهل مدینه را
بدی خواهد در آتش گداز د چنانچه قلعی گداخته میشود و هرکه غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت
مردگی چنانچه خوردی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشد و در حدیثی آمده که چهار کس
باشند که در جحیم و حمیم بگردند و ویل گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ایذا کرده
زیاده از ایذای نفس خود و او را گویند ای البعد تو ما را ایذا کردی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم بر گردن
او باشد و او ادا نشود و او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بپارچه و بدن پرهیز نکند
او امعای خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن بد در مردم لذت گیرد از دهان او ریم جاری باشد چهارم آنکه
غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از قیصور بن زاذان مرویست که گفته عالمی که از علم خود منتفع نشد
دوزخیان متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که فرجهای زانیان ایذا دهند اهل دوزخ
را از بدبوئی و در صحیحین ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدرستی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
آنکه هرکه مسکر خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرمود یعنی افشرده دوزخیان و در حدیثی آمده
که هرکه خمر نوشد خدا او را حمیم جهنم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که مدینه هجرتگاه و خوابگاه منست
واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پرهیز ند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خبال نوشاند و فرمود هرکه در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن ردغه خبال
کند تا که بر آید از آن قول و بر نخواهد آمد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را دو صف کرده بر جانب یمین و یسار
دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که سیاد های
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که سخت تر عذاب مصورا را
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد بیشتر کسی را
که اصحاب مرا دشنام دهد بیشتر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

آنانکه تصویر ذی روح کشند ۱۲

کرنبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را و فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت ببینند حکم کند که اینهارا از بهشت باز گردانیده بدوزخ اندازند
پس آنها بحسرتی باز گردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر مارا از اول
داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که همین خواستم که شمارا حسرت دهم شما در خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخلاف آن میکردید از مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز می چشانم شمارا
عذاب الیم و محروم داشتم شمارا از ثواب و فرموده که برای استهزا کنندگان با مردم دری بسوی بهشت
گشاده شود و گفته شود یکی را از انها برای خروج از دوزخ و او با کثرت محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از نا امیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ یعنی باید که خانهٔ خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او ایستاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهگاران سوای امت محمد صلی الله علیه وسلم در دوزخ انداخته شوند
روهای شان سیاه شود و قیدهای آهنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهگاران امت محمدی صلی الله علیه
وسلم اگر در دوزخ انداخته شوند روهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنهارا دیده
مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المومنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل کبائر
از موحدان که بدون توبه مرده باشند هرکه از انها داخل دوزخ شود چشمهای شان ازرق نشود و روهای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر نکرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و حمیم نخورانیده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنهارا نباشد و صورتهای شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود

بعضی آنهارا آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
بقدر گناهان شان بعضی از انها یکساعت و بعضی یکروز یعنی بقدر یکروز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
در دوزخ باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و درازتر مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد هفت هزار سال

فصل چون خواهد که حق تعالی آنهارا از دوزخ برارد یهود و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمهٔ که درمیان صراط و بهشت ست بفگند پس آنها مانند سبزه بروبیند
پستر داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد جَهَنَّمِیُّوْنَ عُتَقَاءُ اللّٰهِ بعد مدتی آن نوشته محو شود
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز درهای دوزخ بر کسانیکه باقی مانند یعنی کفار بند کنند و میخهای آتشی
برآنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که بخشش کند الله تعالی بروز قیامت
بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برارد آنهارا از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند برحمت
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بزار از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که بادها درهای
آنرا در حرکت دارد و کسی دران نباشد شیخ محی الدین عربی ازین حدیث موقوف میگوید که بعد مدتهای مدید
در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها مکث طویل ست لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع ست
و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقهٔ علیا ست از دوزخ خالی شود
و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پستر عار دهند آنهارا کفار که
شمارا تصدیق رسول هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر کرا که باشد مسلمان آنزمان کافران
آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودمی آنحضرت این آیت خواند رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ كَانُوْا
مُسْلِمِيْنَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گوید و برهمین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابوذر گفته که اگرچه زنا
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابوذر همان گفته باز آنحضرت گفت یعنی پرسید

٤٠ یعنی این مردم دوزخی اند که آزاد کرده شده اند
٤١ حدیث موقوف آنرا گویند که از صحابی روایت باشد [illegible]
٤٢ [illegible]

همان فرموده و در مرتبه سوم گفته علیٰ رَغمِ اَنفِ اَبی ذَرٍّ و فرموده هر که بمیرد درحالیکه شرک نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که بمیرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود احادیث درین باب بسیار اند زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و برسالت محمد صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبده و خلود در دوزخ بروی حرامست بدلیل دیگر احادیث که درعذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن حبان از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روزی از دهر پیش ازان آنچه او را رسد و ترمذی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائے از من ترسیده باشد

فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار در دوزخ مانند استاده شود بانگ دهنده درمیان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست وای اهل بهشت موت نیست هریک درانچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین ست از ابن عمر و ابی سعید خدری که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ مانند موت را بصورت کبش سیاه درمیان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت وای اهل دوزخ موت را میشناسید هریک گردن دراز کند و ببیند و گوید آری این موتست پس او را ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلود ست وای اهل دوزخ خلود ست موت نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هرآینه خوش شوند و اگر اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هرآینه غمگین شوند لیکن برای انها خلود ست ابداً از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد باشد آنها را در صندوقهای آهنی کرده در ان میخهای آهنی زده و آن صندوقها را در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین تر دوزخ پس هر یک ازانها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای آهنی کرده در درک اسفل دوزخ در تنورها تنگ تر از میخ که کوفته شود و تیره کرده شود آنرا جب الحزن گویند

برخاک آلوده شدن بینی ابی ذر کنایه از ذلت ۱۲
ای بدلیل انچه ابن حبان الخ ۱۲
درک اسفل پایین ترین ۱۲
جب الحزن چاه غم ۱۲

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای بهشت

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین از عایشه صدیقه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جوئید بخدا و خوش باشید بدرستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی بمغفرت و رحمت خود و در صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر برحمت از خدا اینچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود بقوله تعالی اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود بدانکه اصل دخول جنت و خلود در ان بفضل خداست چرا که خلود غیر متناهی ست و اعمال متناهی ست و تفاوت درجات جنت بسبب اعمال ست هنا د از ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد برحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت با عمال خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقره متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از ان اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال است گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان فارسی از انحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیتهی از حضور عنایت شود با بن عبارت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هٰذَا كِتَابٌ مِّنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ لِفُلَانٍ اُدْخِلُوْهُ جَنَّةً عَالِيَةً قُطُوْفُهَا دَانِيَةٌ یعنی این خط از الله عزیز حکیم ست برای فلان که او را داخل کنید بهشت عالی را که ثمرهٔ آن نزدیک ست و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ ○ و از هر در فرشته بیایند و بگویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ و بهشتیان گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ[ف ۱] و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَکُوْرٌ[ف ۲] و چون آدم داخل بهشت شوند اول طعام شان زیادت جگر ماهی باشد

فصل در صفت جنت و عدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ۝ و باز فرموده وَمِنْ دُوْنِهِمَا جَنَّتَانِ ۝ یعنی هر که خوف کند از استادن پیش پروردگار خود برای آنها دو بهشت ست و پایین تر از آنها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیرهما از ابی موسی اشعری مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها و انچه در انست از نقره است و دو از زرست عمارتها و انچه در انست از زرست و نباشد در میان قوم و رویت خدا مگر پرده کبریا در جنت عدن دو بهشت از برای سابقین ست و دو بهشت نقره برای تابعین ست و بروایتی برای اصحاب یمین قرطبی گفته بعضی علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنت عدن جنة الماوی جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت راست و در هر بهشت درجات و منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که ایمان آورد بخدا و رسول او صلی الله علیه و سلم و نماز گزارد و زکات دهد روزه رمضان گزارد حق ست بر خدا که او را داخل بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست عالبا مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدهی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که مهیا کرده است حق تعالی آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت ست که در میان آسمان و زمین ست پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت ست و بالای آن عرش رحمن است و از انجا نهرهای بهشت میشگافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله راست و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه مانند تفاوت آسمان و زمین ست و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین باشد.

ف ۱ اگر راه نمودی ما را خدا هر آینه آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی ۱۲ ف ۲ همه ستایش خدای راست که دور کرد از ما اندوه را هر آینه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است ۱۲ فتح الرحمن ۱۲

و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا انداز د حق تعالی درجهٔ او بلند کند در میان دو درجه صد ساله راه باشد
و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین ست در درجهٔ اول خانها
و تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجهٔ ثانیه آن همه از زر ست و در درجهٔ سوم همه آن از یاقوت
و مروارید و زبرجد ست و نود و هفت درجه بقسمی ست که نمیداند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دار نکنم شما را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ
وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب وضو بخوبی کند و دور رفتن بمسجدها و انتظار نماز بعد نماز
همین ست رباط[۱۵] و بیهقی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قرآنست
پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
را در گیرد این حدیث را بر آن حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و ششصد و شصت و شش ست
بعدد آیات قران بلکه حمل بر آن باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را انکار کند برای او درجات بهشت بیفزاید
اصحاب سنن و ابن حبان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان
و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند نوری
از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر تست فلان گوید که من و
او در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
حق تعالی در دل او رضا بد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب
میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم و فرمود
در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس بادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و عیالدار صابر
فصل حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کردند آنرا

۱۵ رباط بکسر را بمعنی نگاهبانی سرحد دشمن و بر سرحد بودن و در انجا ۱۲ منتخب اللغات

اولاد آنها بایمان یعنی آنها مومن هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را واز عمل شان چیزی کم نکنیم
آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجهٔ او رساند برای سردی چشم او
و در حدیثی آمده که چون مردی داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها بدرجهٔ
تو نرسیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من انچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هرکه بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر وی ظلم کرده
و بدهد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هرکه برساند بسوی بادشاه
برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هرکه کهانت کند یا فال از پرنده
گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
حظ بردارد در آخرت درجهٔ او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
اَلطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجهٔ غلام
بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این بذکر خدا بیشتر از تو کرده طبرانی از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کناند که من نسب مقرر کرده بودم
و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم ساختم و شما اینمعنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کردهٔ خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
مرتبهٔ متقیان بقدر تقوی بلند شود در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا باهم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند
غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبهٔ صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما باهم در راه تو هم صحبت
بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است
و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده
فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و مرا حر میکردی همچنان
عمل میکردم حق تعالی فرماید که راست گفته اید پس فقیر را برابر غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حر مرتبه داده شود و بد خلق هیچ جواب نیابد

خورنده سپاسگزار مانند روزه‌دار صبرکننده است

فصل هر بهشت راهشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم وصدقه دهندگان را از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابوبکر گفته یا رسول الله از هر دری که طلبیده شود خوبست لیکن کسی باشد که از همه دروازها او را طلبیده شود فرمود امید دارم که تو از ان مردم باشی قرطبی گفته از همه درها طلبیدن بنابر اکرام ست در حدیثی آمده که انسان هر عمل که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ گوید هشت دروازه بهشت برای او کشاده شود از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزهٔ رمضان کند و زکات دهد و از گناه کبیره پرهیزد هشت دروازهٔ بهشت برای او کشاده شود و بشارت بکشادن هشت دروازهٔ بهشت وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشند و آنها را پرورش کند

فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و بجای گل مشک باشد و سنگریزهای آن مروارید و یاقوت و خاک آن زعفران هر که داخل بهشت شود همیشه خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و پارچهٔ او کهنه نشود و جوانی او زائل نگردد و نهرهای بهشت در غار نروند بالای زمین روند درمیان دو بازوی دروازهٔ بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان از دحام شود که مردم پهلو به پهلو زنند و تنگ باشند و در صحیحین ست که داخل بهشت شوند از امت من هفتاد هزار یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشد

فصل در بهشت غرفها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود و اهل بهشت اهل غرفها را بینند بالای خود چنانچه ستارهٔ دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای تفاضل که درمیان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند فرمود قسم بخدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبران را

و در حدیثی آمده که غرفها برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها
نماز گزارند در حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روزها
متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
افشای سلام کرده و کسیکه اهل و عیال خود را از طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند نماز خواند
در شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند آن سخن رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله
کرا طاقت ست که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند وَالنَّاسُ نِیَام حاصل آنکه
اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی ست اگر فضل الٰهی شامل حال ست و در حدیثی آمده که حق تعالی غرفهای
بهشت مهیا کرده است برای کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و انچه خرج کنند برای خدا کنند
در حدیثی آمده که غرفهای بهشت را نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند
پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرنده پریده رسنده باشند آن غرفها صاحب بیماریها و صاحب دردها را
و از عمران بن حصین و ابی هریره مرویست که از ان حضرت احوال مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ
پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید دران قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر هر فرش زوجه
از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمانرا
قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند در احادیث اعمال صالحه که سبب بنای خانه
در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز ضحی
و چهارگانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن درمیان مغرب و عشا و سوره دخان خواندن شب جمعه و
روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
بازار گوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ نوشته شود برای او هزار هزار حسنه

اعمال صالحه که سبب بنای خانه در بهشت باشند

ودور کرده شود از وی هزار هزار گناه وبنا کرده شود خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هرکه ده بار سورهٔ اخلاص خواند یکخانه برای او در بهشت بنا کرده شود واگر بیست بار خواند دو خانه واگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله درینصورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست طبرانی از حکیم بن محمد روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر بند میشود از بنا کردن بند میشوند پس گفته شود آنها را که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که بار النفقه رسد وهمچنین از علی بن ابو نعیم روایت کرده و در حدیثی آمده هرکرا پسر بمرد واو صبر کرد وحمد گفت و إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ گفت حکم شود که بنا کنند برای بندهٔ من خانه در بهشت ونام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هرکه در صف نماز یا صف قتال فرجه بند کند حق تعالی درجهٔ او بلند کند وبنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هرکه دروغگوئی ترک کند خانهٔ او در بهشت بنا شود وهرکه ترک کند جدال را واو محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میانهٔ بهشت وهرکرا خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانهٔ او باشد و فرمود هرکه در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه نوشته شود وخانه در بهشت بنا شود از یاقوت سرخ و فرمود هرکه قبر مسلمانی کند خانهٔ او در بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی پانصد وهفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه ذمی را کشت اورا بوی بهشت نرسد وهمچنین وارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود وکسیکه نافرمانی والدین کند وکسی که مدمن خمر باشد وکسیکه قطع رحم کند وکسیکه در پیری زنا کند وکسیکه بتکبر ازار خود بر زمین کشد وکسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که در دل او مقدار دانهٔ خردل کبر باشد حلال نیست اورا که بوی بهشت رسد یا بهشت را ببیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که درختان بهشت آنچنان باشند که اگر در سایهٔ او سوار صد ساله راه سیر کند سواری نیست را قطع نکند وترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی ... که سیر کند سوار در سایهٔ یک شاخ وی صد ساله راه

دران پروانهای زر باشند و ثمر آن مثل قلها باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی درختست
صد ساله راه پارچه پوشاک بهشتیان ازان براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در بهشت نباشد
مگر آنکه تنه او از زر باشد و از ابن عباس مرویست که نخله بهشت را تنه زمرد سبز و شاخهای آن طلای سرخ
و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم حللها و ثمر آن مثل قلّه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم تر
از زبد و نباشد او را هسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که بیخ و تنه آن از مروارید و زر باشد
و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده که
ایذا میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی میفرماید فِی سِدْرٍ مَّخْضُودٍ
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ براید که
مشابه یکدگر نباشد و ثمرهٔ درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گرفت
مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان او از زر و نقره و شاخها
از مروارید و زمرد و ثمرها بقسمی که استاده و نشسته و خفته آنرا بگیرد و مسروق رضی الله عنه گفته که ثمرهٔ
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابی هریره گفته که سدرهٔ بهشت را طوبی گویند حق تعالی
میفرماید بشگاف برای بندهٔ صالح من هرچه خواهد پس بشگافد ازان اسپ مع زین و لگام چنانچه خواهد و براید
شتر بار حل و مهار بقسمی که خواهد و براید پارچه آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیْمِ
گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابو هریره رضی الله عنه را دید که
درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم من ترا بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود سُبْحَانَ اللهِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ بهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله
علیه وسلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش
خاک ست و شیرین آب و آن بی درخت ست درختهای آن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ ست و آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که نزد ختم قرآن دعا قبول شود

ف قلّه بضم القاف و تشدید اللام سبوی بزرگ ۱۲
قوله قطعی یعنی پوشاک بهشت قطع کرده شده اهل که موافق بدن هر یک باشد ۱۲

و درخت در بهشت نشانده شود و ابن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و دبرو جانوران
زمین و دریا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت درختی نشانده شود و گناهان او بخشیده شود و حق تعالی
میفرماید فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَّنَخْلٌ وَّرُمَّانٌ ۝ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ
وَّلَا مَمْنُوعَةٍ فِيهِمَا مِن كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۝ ابن عباس رضی الله عنه
گفته که در دنیا از ثمرهای بهشت نیست مگر نام و گفته هرچه در دنیا از ثمره هست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هم هست
یعنی صورتها هر یک فنا مهاد در بهشت باشند لیکن در حقیقت و لذت چیزی دیگر باشد و ثمرهٔ بهشت را دوازده گز طول باشد و هسته نباشد
فصل حق تعالی میفرماید وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَّلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
بدرستیکه تو بینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و ابی امامه گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند افتد پیش او مثل شتر بختی رسیده بوی دود و نه آتش پس از ان بخورد
تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول نکنند
و آب دهن و آب بینی نبینداز ند طعامیکه خورند از آروغ و عرق بیرون رود و بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد و
فرمود که مومنان را از طرف خدا هدایا آیند در اوقاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر انها سلام گویند
فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شرابهای بهشت است صرف از ان مقربان خورند و دیگران را از ان خلطی شود و حق تعالی میفرماید و
مِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک بر آیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار نروند بر روی زمین روند کنارهای
شان از مروارید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت
نهریست که آنرا بیدح گویند بر روی قبها باشند از یاقوت زیر آن دختران باشند رویده مردم
برای سیر آنجا آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی رساند

ف ۱ ودران دو نوع میوه و درختان خرما وانار باشند ۱۲ ودران میوه‌ها از جنس که رغبت کنند و در میوه بسیار که نه پایان است و نه از ان منع کرده شود ۱۲ ودران دو بوستان

ف ۲ از هر میوه دو قسم باشند ۱۲ و مدد کردیم ایشان را یعنی در پی عطا کنیم ایشان را میوه و گوشت از جنسی که طلب کنند ۱۲

ف ۳ و آمیختگی آن از آب تسنیم باشد مراد میدهم چشمه که مینوشند ازان نزدیک کردگان خدا ۱۲ فتح

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر بروید و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِیرًا یعنی اهل بهشت هرجا که خواهند آن نهرها را آنجا برند با اهل بهشت قضیبها باشند شاخ درخت ۱۲
از زر از آن قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمانرا در تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیق مختوم بنوشاند
و رحیق مختوم عبارت از خمر است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود
چنانچه در قرآنست و عقل زائل نگردد و چون اهل بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد
اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچهٔ صغیر را خورانید او را حق تعالی حمیم جهنم
خوراند و هر که بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بران او را در حظیرة القدس مکان پاک ۱۲ خورانیده شود و در حدیث
وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباس بهشتیان برآید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد باریکتر و خوبتر ابن ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پارچهٔ بهشت را کسی
در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا بیند بیهوش شود و بمیرد و صاحب لباب از عکرمه روایت کرده
که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ تبدیل شود و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد
در آخرت نپوشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زر یا نقره خورد در آخرت از آن نخورد
فصل در صحیحین است که مومن را زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی وغیره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن ما بین مشرق و مغرب را روشن سازد
و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که
مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که
ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از حلهای
ایمان هرچه خواهد بپوشد مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
یکی از زر دوم از نقره سوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز

ف قوله اطعما آتان یعنی طعامی گرسنه را وا رانید باشد ۱۲

پیدایش خود تار روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکنند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بَطَائِنُهَا
مِنْ اِسْتَبْرَقٍ یعنی فرشهای بهشتیان را استر از استبرق باشد مرویست که گفته که ظواهر آن یعنی ابرهای شان از نور جامد باشد
فصل مُتَّکِئِیْنَ فِیْهَا عَلَی الْاَرَائِکِ یعنی تکیه زده بر اریکها بنشینند اریکه را در هندی چهپرکهٹ گویند
که در زیر آن تخت یعنی چهارپایی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مروارید و یاقوت
وَنَمَارِقُ مَصْفُوْفَةٌ یعنی تکیها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد
فرسنح در فرسنح چهار هزار تخته از زر دران باشد مُتَقَابِلِیْنَ یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
پشت ندهد و در صحیحین از ابی موسی اشعری از انحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که خیمه یکی مروارید مجوف باشد
که شصت کروه عرض آن باشد در هر گوشه از ان اهل خانه باشند برای مومن که دیگر اهل خانه را بینند وآن مومن بر همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از انحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که هر کس را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی باسناد صحیح از انس
از انحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن بهفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد و ترمذی از ابی سعید خدری
از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دو زن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نسا بکثرت بسیار آمده
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن در روایت دو زن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث صحیح آمده
که انحضرت زنان را گفت اُرِیْتُکُنَّ اَکْثَرَ اَهْلِ النَّارِ یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زنان گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمایید و نیز انحضرت غرابها را
دیدند دران غرابها یکی بود سفید بازو ها سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و ازین حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان به بهشت باشد و مراد اَکْثَرُ اَهْلِ النَّارِ دُخُوْلًا لَا خُلُوْدًا ابدا بدلیل آنکه علت دخول شان
در دوزخ کفر نخواند انفرموده بلکه اکثار لعن و کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

دو زن باشند گو از زنان امم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
دخول جنت جوان باشند و نکاح مردان مکلف داده شوند (ای زنان ۱۲) لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود مابین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
آفتاب را بپوشد و دامنی سر او از دنیا و ما فیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج
چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیدخ نام دارد دران خیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود و آواز زنان شنیدم
السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز ست گفت این مَقْصُوْرَاتٌ فِی الْخِیَامِ (الآیة)
اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی
نکنیم و همیشه باشندگان گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حُسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب نماز و روزه حق تعالی
رویهای شان را نور بخشد و جسدهای شان را سفیدی و خوبی و مجامر شان از مروارید و شانهای شان از زر باشد ام سلمه
پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
پس اختیار کند نکوتر را در اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
مرد و آن زن شوهر دیگر نکرد در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اِنَّا اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَآءً
فَجَعَلْنٰهُنَّ اَبْکَارًا عُرُبًا اَتْرَابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد
باکره و عاشقهٔ شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که پیر زنان کور چشم و چرگین چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

ط خیمهٔ بهشت [illegible] ۱۲

حق تعالی میفرماید حُورٌ عِینٌ یعنی سیاه چشم و کلان چشم کَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُوْنِ ۝
یعنی مانند مروارید در صدف و میفرماید خَیْرَاتٌ حِسَانٌ یعنی نیک خو خوشرو ابن مبارک از
اوزاعی روایت کرده نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایذا ندهند
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده
کَوَاعِبَ اَتْرَابًا یعنی پستان نوخاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از انحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که حور بهشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بیهقی
از ابن عباس از ان سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
با صد زن جماع کند و طبرانی از ابی امامه از انحضرت روایت کرده که آلات مجامعت مانده نشود
و شهوت منقطع نگردد و بزار و غیره از ابی سعید از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که
اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد و اگر
کسی احیاناً آرزوی ولد کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در یک ساعت دست دهد کذا رواه الترمذی
والبیهقی و غیرهما عنه صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حور عین صحبت داشته باشد
ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری ست بهتر از اولی میگوید که ای
ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
و همچنین و همچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی اورا
بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر کرا خواهد بگیرد و فرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی ازان
باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند و خیانت نکند و کسی که قاتل
خود را ببخشد و کسیکه بعد هر نماز سورهٔ اخلاص خواند و فرموده مهر حوران قبضهای خرما و پارچهای
نان ست یعنی انچه بدرویشان بدهد و فرموده جاروب کشی مساجد مهر حوران است و فرموده که بهشت
زینت میگیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان و حوران زینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
چون رمضان داخل شود بهشت گوید آلهی بگردان درینماه از بندگان خود ساکنان در من و حوران

گویند آلهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سرد شود چشم ما از آنها و چشم آنها از ما و فرموده
در بهشت حور باشند عیناء هفتاد هزار غلام بر دست راست و همچنین بر دست چپ او راه روند
و بگویند کجا باشند امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و فرموده که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کند
زن او از حوران گوید ایذا مده این را که مهمانست نزد تو قریبست که از تو جدا شود و بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود
که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری آنگاه پردها از میان برداشته شود او را ببینند و باشتیاق ملاقات نمایند

فصل از ابی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران باواز خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد
مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ نَحْنُ الْحُورُ الْحِسَانُ
أُهْدِينَا لِأَزْوَاجٍ كِرَامٍ وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ وَنَحْنُ الرَّاضِيَاتُ فَلَا نَسْخَطُ
وَنَحْنُ الْآمِنَاتُ فَلَا نَخَافُ وَنَحْنُ الْمُقِيمَاتُ فَلَا نَظْعَنُ و در حدیثست که اگر اهل بهشت رغبت سرود
کنند باد هارا حکم شود که در شاخهای سبز درختان که از مروارید ست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها
خوش سرایند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند
آنها را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملایکه آوازهای خوش
به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و نیز در حدیث آمده که داود
علیه السلام را حکم شود آن حضرت باواز خوش حمد خداوند خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم آورده که فرموده که هرکه در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان را از اهل بهشت بشنود

فصل ظروف در بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی كَانَتْ قَوَارِيرَا
قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نباشد
هرکس را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد

فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوتهای شان که در میان باشد دور شود و باهم دوست
و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجهزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از
ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآنست که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

در بهشت کذب و لغو و هزل و شتم و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در بهشت اسپ باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی
هرگاه سواری اسپ خواهی اسپی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پر باشد ببرد با تو و هر جا که خواهی رساند دیگری گفت
یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد
فصل در بهشت بازار باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان در آن باشند
هر صورت که کسی را خوش کند همدران صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده در جنت عدن سوای انبیا و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن انچه در خطره کسی
هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که در آن رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم
از انس از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد در آن تودهای مشک باشند
روز جمعه مردم در انجا روند باد شمال بر انها وزد مشک بر روهای و پارچهای شان افشاند حسن و جمال زیاده
شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده گردیدید و در احادیث آمده که طیور در بهشت
مثل شتر بختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از ان هر لذت خورد باز
آن طایر بپرد و برود در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین
و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درختی
باشد که از بالای آن حلها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای شان و باگهای شان از مروارید
یاقوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بر ان سوار شوند و بگذرند
دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور شان نورهای ما را فرو نشانده فرماید
که اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می نشستید بیهقی از مجاهد
و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی وَاِذَا رَاَيْتَ ثَمَّ رَاَيْتَ نَعِيْمًا وَّمُلْكًا كَبِيْرًا گفت که مراد از ملک کبیر
آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها بروی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از حاجب
و آن حاجب از حاجب دیگر و همچنین بس اذن دهد ولی الله بدخول و هرگاه آن ولی خواهد بی اذن پروردگار خود مشرف شود
فقیر گوید این از انجاست که حق تعالی اقربست از حبل الورید و حجب غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد

۵ هرگاه نظر کنی در آنجا بینی نعیما و ملکا کبیرا ۱۲۷

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت یکصد و بیست صف باشند از انجمله هشتاد صف از امت من و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهند از من هرچه خواهند مردم بعلما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما در بهشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا دران ذکر خدا نکرده باشند ابن عساکر از امیر المومنین علی رضی الله عنه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بوی بهشت بر هزار ساله راه میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیر زانی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد

فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند بزار و بیهقی و غیر هما از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بهشتیان داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگری آید و باهم سخن گویند انچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت دوزخیان را هم به بینند و هرگاه بهشتیان خواهند با پیغمبران و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابو نعیم وغیره از عائشه رض روایت کرده که مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست تر میدارم و چون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن ترا خیال میکنیم می ترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به بهشت رسم ترا به بینم آن حضرت جواب نداد تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ الایة احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ بن جبل رضی الله عنهما از انحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هرکه در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد یا کبیر همه شان اجرد باشند یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و امرد باشند بی ریش و بعمر سی و سه سال باشند یکسان نه کم نه زیاده و در چشم سرمه کشیده و ابن ابی الدنیا از ابن عباس اورده

یعنی کسی که فرمان برداری کند خدا و رسول را پس ایشان همراه آنکسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از انبیا و صدیقان ۱۲

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگری را نباشد و از کعب احبار مرویست
که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگری را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که جمیع اهل بهشت
بنامهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه و سلم و طبرانی
از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور بر آیند زبان سریانی
باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از انحضرت صلی الله علیه و سلم
روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از انحضرت صلی الله علیه
و سلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و ازهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از انحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتها که دلهای شان مثل دلهای پرندگان
باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله
علیه و سلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که ما را نعمتها
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا نداده ام شما را انچه ازین همه افضل ست گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شده ام که گاهی ناراض نشوم

فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا روافض و خوارج و معتزله ازان انکار
دارند اهل سنت و جماعت بدان مهتدی شده اند حق تعالی میفرماید وُجُوهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ۝ إِلَىٰ
رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ۝ ف۱ و میفرماید لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ف۲ مراد از حسنی بهشت ست و از
زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیت باینمعنی از هر چهار خلفای راشدین و ابی بن کعب و کعب بن عجره
و ابن مردویه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود وغیره مرویست و رسول
فرمود صلی الله علیه و سلم قریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید ماه را
در شب چهار دهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد یحیی بن سعید گفته که در رویت حق تعالی

ف۱ بعضی رویها در آن روز تازه باشند بسوی پروردگار خود نظر کننده ۱۲
ف۲ آنان را که نیکوکاری کردند حالت نیک باشد و زیادتی بر آن ۱۲

هفتند ه حدیث صحیح وارد شده واجماع امت بران منعقد گشته انکار آن کفرست ذکر احادیث رویت
بسیار طول دارد وقتیکه بدولت دیدار مشرف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد از کعب احبار
مرویست که انچه در دنیا روز عید باشد مردم را بنید بچمنهای بهشت وخدارا به بینند یعنی در سالی
یکد و بار و در بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد
و در بعضی احادیث آمده در هر پنجروز یکبار و بیهقی از انس روایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
که هر صبح و هر شام ببیند و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان برای خروج از دوزخ فریاد کنند

فائده از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَّلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا فرمود
هر که خواهد خدارا ببیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاه نسازد و خبر نکند

فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص ببشرست ملائکه را نخواهد شد لیکن بیهقی ملائکه
راهم رویت اثبات کرده از عمرو بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده چندین صنف
همه شان همیشه در عبادت قائم اند تا روز قیامت چون روز قیامت شود برانها حق تعالی تجلی کند پس
به بینند حق تعالی را و بگویند مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ و نیز از مردی از اصحاب از انحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدا می لرزد شانهای
شان نیست از انها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر از ان قطره فرشته می آید که تسبیح میکند جماعتی
از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند در سجود اند سر از سجود نبر دارند تا روز قیامت و بعضی صف بسته
استاده اند از ان حرکت نکرده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدارا ببینند
گویند سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ كَمَا يَنْبَغِي یعنی پاکیست مر ترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید

فصل کفار از جن و انس در دوزخ باشند باتفاق و در مومنان از جن علمارا اختلاف ست بعضی گویند
ایشان را دخول بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

فائده هر که امید دارد ملاقات پروردگار خود را باید که بکند کار نیک و نکند در عبادت پروردگار خود ...

جن نه داخل بهشت شوند ونه داخل دوزخ وهمچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را ثواب وکافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطابا للثقلین ولمن خاف مقام ربه جنتان فبای آلاء ربکما تکذبان وقال لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان وقال الله تعالی حکایة عن کلام الجن ومن اسلم فاولئک تحروا رشدا واما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا وبیهقی از انس از النبی صلی الله علیه وسلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد وبر ایشان عقاب باشد پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند در بهشت با امت محمد صلی الله علیه وسلم نباشند پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جای ست بیرون بهشت دران نهرها جاری اند ودرختها وثمرها واز ابن وهب مروی ست که پرسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید اولئک الذین حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم کانوا خاسرین ولکل درجات مما عملوا وبیهقی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در جنت باشند وآن ملائکه ویکی تمام در دوزخ وآن شیاطین اند ودو خلق بعضی در بهشت وبعضی در دوزخ وآن جن وانس وحمزه بن حبیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند وبرای انس انسیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجنة والنار
والصلوة والسلام علی محمد النبی
المختار قسیم الجنة والنار
وعلی آله واصحابه الابرار
الاخیار

۵

تمت

[illegible] پس آنجماعه قصد کردند که [illegible] ثابت شد برایشان عذاب [illegible] گذشته اند پیش از ایشان از جنیان وآدمیان [illegible]

خاتمة الطبع پس از سپاس آفریننده مبدء و معاد و بهشت و دوزخ جزا دهنده عباد و درود سید رسل شافع کل در مقام
محمود و برآرندهٔ عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران و از بالای
پل چون برق گذران ستوده می آید که چنانچه تذکرهٔ احوال موتی و بیان شدائد قبور باعث اقدام بر طاعت و اعراض از [illegible]
همچنین تذکرهٔ احوال آخرت و معاد و امید و بیم ثواب و عقاب یوم التناد علت گذاشتن موجبات و قمع و نیران و طلب کردن
اسباب دخول در جنان است نظر بوجه پیشین پیش ازین رسالهٔ متبرکه **تذکرة الموتی والقبور** بطبع در آمده جلوه فرمای
جهان گردیده اکنون نظر بوجه پسین و برحسب ایفای وعدهٔ سابقه که در خاتمهٔ رسالهٔ موصوفه مطبوعه پیرایهٔ تحریر پوشیده بود
کتاب هدایت نصاب **تذکرة المعاد** از افادات جناب علم الهدی علامة الوری مولانا قاضی محمد ثناء الله
قدس سره به تصحیح تمام و تنقیح مالا کلام و ترجمهٔ عبارات عربیه و ثبت حواشی ضروریه باهتمام امیدوار افضال یزدمنان
محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور در مطبع نظامی واقع کانپور بماه جمادی الاخری سنه ۱۲۸۰ هجری
پیرایهٔ طبع در بر کشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گنهگاران از معصیت گشت هرگاه اهل نظر
چشم بصیرت برین شاهد زیبا بگشایند و دیدهٔ دل را بدیدارش نور و سرور افزایند احقر را در وقت خاص بیاد آورند و بدعای
حسن خاتمه ممنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب قدس سره رغبتی تمام دارد خصوصا
تفسیر مظهری که همگی همت و جملگی نهمت خواهان طبعش میباشد فاما سرمایهٔ حصول این مامول دست نمی دهد اگر بزرگان
توجه دلی را در دعا کار فرمایند همانا افضال ایزدی اسباب طبعش را ارزانی فرموده آن مخدرهٔ رعنا را از
مطمورهٔ قلت بر منصهٔ کثرت بجلوه گری انشانند و دیدهٔ آرزومندان دیدارش را نور آگین و مسرت آما گردانند
آمین رب العالمین والصلوٰة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه و ازواجه اجمعین

وجه ختم بر خاتمه برای سند این معنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط مهتمم نموده شد

محمد روشن خان حنفی ۱۲۶۳
محمد عبد الرحمن بن حاجی

العبد محمد عبد الرحمن